



گزارش کارشناسی

پرونده‌های دیوان عدالت اداری در خصوص:

تقاضای ابطال مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) و بند «۴»
ماده (۴) دستورالعمل نحوه پرداخت حقوق
ناظرین شرعی ذبح و صید مصوب ۹۱/۱۰/۵
کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی

کد گزارش: ۹۴۰۶۰۲۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۶/۲۳

پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

گزارش کارشناسی پرونده‌های دیوان عدالت اداری

موضوع:

تقاضای ابطال مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) و بند «۴» ماده (۴) دستورالعمل نحوه پرداخت حقوق ناظرین شرعی ذبح و صید مصوب ۹۱/۱۰/۵ کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی

تهیه و تنظیم:

محمدعلی فراهانی

نظارت:

سیدمجتبی حسینی پور

پژوهشکده شورای نگهبان

شماره گزارش: ۹۴۰۶۰۲۹

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۴/۰۶/۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش کارشناسی پرونده‌های استعلامی دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت: تقاضای ابطال مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) و بند «۴» ماده (۴) دستورالعمل نحوه پرداخت حقوق ناظرین شرعی ذبح و صید مصوب ۹۱/۱۰/۵ کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی

شاکي: آقای بهزاد فلاح

طرف شکایت: ۱- سازمان دامپزشکی کل کشور ۲- وزارت جهاد کشاورزی
جهات مغایرت شرعی: مغایرت با قاعده فقهی «لا ضرر»

شماره و تاریخ نامه دیوان: ۱۳۹۴/۰۲/۱۳ - ۹۰۰۰/۲۱۰/۱۸۵۴۳/۲۰۰

مقدمه

آقای بهزاد فلاح به موجب دادخواست تقدیمی خود به دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال «مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) و بند «۴» ماده (۴) دستورالعمل نحوه پرداخت حقوق ناظرین شرعی ذبح و صید مصوب ۹۱/۱۰/۵ کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی» را مطرح کرده‌اند. ادعای نامبرده درخصوص ابطال مواد فوق از مصوبه مزبور علاوه بر مغایرت قانونی، ناظر به مغایرت با قاعده فقهی «لاضرر» است، ولیکن درخصوص خواسته اصلی که ابطال مواد فوق است در متن درخواست صرفاً به مغایرت‌های قانونی اشاره شده است و موضوع دیگری را (به جز ابطال مواد مذکور) از جهت مغایرت با شرع مطرح کرده‌اند. با این توضیح که شاکي «ضبط کلی لاشه و ضایعات دام و طیور بدون جبران خسارت دامداران و مرغداران» را به دلیل اینکه این لاشه در صنایع غیرخوراکی غیرانسانی قابلیت مصرف دارد مغایر قاعده فقهی «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام»

و نیز اصول ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانسته است. در این گزارش ضمن تبیین موضوع ادله شاکی و جوابیه وزارت جهاد کشاورزی بررسی خواهد شد.

شرح و بررسی

شاکی در توضیح خواسته خود و برای اثبات مدعای خویش مقاله مطولی را به پیوست دادخواست و به عنوان شرح شکایت ذکر کرده است که به صورت مستقیم ارتباطی با موضوع شکایت ندارد. آنچه در این مقاله بررسی شده است در خصوص ماهیت عوارضی است که در کشتارگاه‌های کشور و توسط صاحبان کشتارگاه‌ها أخذ شده و متولیان گوناگونی داشته است. قبل از انقلاب وزارت منابع طبیعی مکلف به دریافت چنین عوارضی بود (ماده (۱۵) مکرر قانون جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶) و پس از انقلاب با تصویب شورای انقلاب، شهرداری‌ها مکلف به دریافت عوارض قبل از کشتار شدند. البته احکام مذکور هیچ‌کدام اجرا نشده و عوارض مزبور توسط هیچ‌کدام از دستگاه‌های فوق دریافت نمی‌شد تا اینکه از سال ۱۳۸۲ براساس ماده (۱۸) قانون سازمان دامپزشکی و بند «ج» تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور، سازمان دامپزشکی مبادرت به أخذ مبالغی تحت عنوان عوارض کشتار دام کرد که این عوارض به منظور جبران زیان صاحبان لاشه‌های مریض، ضبط و معدوم شده دریافت می‌شد. همچنین لازم به ذکر است، با توجه به اینکه حکم تبصره فوق بعد از سال ۱۳۸۶ در قوانین بودجه سنواتی ذکر نشد عملاً این عوارض متروک مانده است.

پس از بیان توضیحاتی درخصوص عوارض مزبور، شاکی به موضوع مواد مورد شکایت از دستورالعمل پرداخته و استدلال خود را مبنی بر مغایرت این مواد با اصول قانون اساسی و مواد قانون کار برشمرده است که در ادامه گزارش

بدان اشاره خواهد شد.

لذا آنچه شاکی در شرح مفصل شکایت خود و نیز در لایحه رفع نقص آن درخواست نموده است، دو مطلب است، اولاً مغایرت شرعی و قانونی ضبط کلی لاشه و ضایعات دام و طیور بدون جبران خسارت، که این مورد مستند به مقررره یا مصوبه خاصی نیست که از آن شکایت شود و ثانیاً مغایرت قانونی و آیین‌نامه‌ای مواد مربوطه در دستورالعمل مورد شکایت است.

البته آنچه در نامه ریاست محترم دیوان عدالت اداری مرقوم شده است، مغایرت شرعی مواد مزبور است که از این جهت نامه ریاست دیوان محل تأمل می‌باشد. چراکه در شرح دادخواست هیچ استنادی مبنی بر مغایرت مواد دستورالعمل با موازین شرع ارائه نشده است.

با توجه به توضیحات فوق، موضوع پرونده در دو قسمت قابل بررسی است؛ الف) ادعای شاکی درخصوص مغایرت قانونی مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) و بند «۴» ماده (۴) دستورالعمل نحوه پرداخت حقوق ناظرین شرعی ذبح و صید مصوب ۹۱/۱۰/۵ کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی، ب) ادعای شاکی در خصوص مغایرت شرعی ضبط کلی لاشه و ضایعات دام و طیور بدون جبران خسارت دامداران و مرغداران.

الف) ادعای مغایرت مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) و بند «۴» ماده (۴) دستورالعمل نحوه پرداخت حقوق ناظرین شرعی ذبح و صید

درباره ادعای فوق باتوجه به اینکه در نامه دیوان به مغایرت شرعی این مواد نیز اشاره شده ولیکن استدلالات شاکی در این خصوص صرفاً از لحاظ قانونی است به اختصار توضیحاتی ارائه خواهد شد.

دستورالعمل نحوه پرداخت حقوق ناظرین شرعی ذبح و صید بنا به پیشنهاد

حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۰۵ کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی به تصویب رسیده است. تصویب این دستورالعمل در راستای اجرای ماده (۵) قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی و ماده (۱۳) آیین‌نامه اجرایی همین قانون مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۲۷ هیأت وزیران، بوده است.

ماده (۵) مزبور دولت را موظف کرده است تا اعتبارات مورد نیاز قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید را از محل عوارض دریافتی، همه ساله در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی نماید.^(۱) همچنین ماده (۱۳) آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور نیز معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راه‌بردی رییس جمهور را موظف کرده است تا اعتبارات مورد نیاز اجرای این قانون را در قانون بودجه تحت ردیف خاصی به نام «نظارت شرعی» پیش‌بینی کند.^(۲) در همین راستا ردیفی در جدول شماره ۵ پیوست قوانین بودجه سنواتی به شماره ۱۶۰۱۲۵ تحت عنوان «درآمد موضوع ماده (۵) قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید» پیش‌بینی می‌شود. (اما در خصوص اعتبارات هزینه‌ای این ماده که تکلیف اصلی ماده (۵) قانون و ماده (۱۳) آیین‌نامه است در جداول اعتبارات هزینه‌ای موردی پیدا نمی‌شود).^(۳)

۱- ماده ۵ قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید - دولت موظف است اعتبارات مورد نیاز این قانون را از محل عوارض دریافتی از کشتار دام و طیور در کشتارگاه‌های کشور تأمین و در ردیف خاصی همه ساله در بودجه سالانه منظور نماید.

۲- ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید - معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور موظف است به استناد ماده (۵) قانون، اعتبارات مورد نیاز اجرای قانون را در بودجه سنواتی بنا به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی در قالب ردیف خاصی به نام نظارت شرعی منظور نماید.

۳- ردیف‌های مربوط به وزارت جهاد کشاورزی در جدول شماره ۷ قانون بودجه سنواتی:

ردیف ۱۵۱۰۰۰ - وزارت جهاد کشاورزی

همچنین، در تبصره ماده (۱۱) آئین‌نامه مقرر شده حقوق و مزایای این دسته از افراد از همان محل اعتبارات موضوع ماده (۵) قانون تأمین گردد. بر اساس این تبصره، واحدها و مراکز موضوع ماده (۴) قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید تنها، طریقی برای پرداخت حقوق و مزایای ناظرین هستند و نمی‌توان برخلاف قانون و آیین‌نامه اجرایی آن، صاحبان واحدهای مزبور را موظف به پرداخت بخشی از مزایای ناظرین شرعی قرار داد.

نظریه شماره ۳۹۲۵۰ هـ/ب مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۱۶ رییس مجلس شورای اسلامی نیز مؤیدی بر این برداشت است. به موجب این نظریه، تبصره سابق ماده (۱۱) آیین‌نامه فوق مغایر قانون شناخته شده است.^(۱) تبصره سابق، صاحبان واحدهای

→

ردیف‌های زیرمجموعه این ردیف: حمایت از مستضعفان سایر کشورها، سازمان امور عشایری، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، سازمان حفظ نباتات کشور، سازمان چای کشور، نهاد نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی، سازمان امور اراضی (اعتبار مورد نیاز اجرای قانون اصلاح ماده (۳۳) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع)، هزینه‌های نمایندگی سازمان خواروبار کشاورزی ملل متحد (فائو)، مرکز نوغانداری، سازمان امور اراضی و شرکت مادر تخصصی خدمات کشاورزی تنها ردیفی که به نوعی می‌تواند با موضوع ماده (۵) قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید ارتباط داشته باشد ردیف مربوط به نهاد نمایندگی ولی فقیه است.

۱- نظریه شماره ۳۹۲۵۰ هـ/ب مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۱۶ رییس مجلس شورای اسلامی:
... «از آنجا که به موجب ماده (۳) قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید مصوب ۱۳۸۷ «وزارت جهاد کشاورزی موظف است با استفاده از نیروها، امکانات و ظرفیت‌های موجود، بر اساس مأموریت محوله و حیطه جغرافیایی، امکان اعمال نظارت بر ذبح شرعی را توسط حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور فراهم سازد» و طبق ماده (۵) این قانون نیز « دولت موظف است اعتبارات مورد نیاز این قانون را از محل عوارض دریافتی از کشتار دام و طیور در کشتارگاه‌های کشور تأمین و در ردیف خاصی همه ساله در بودجه سالانه منظور نماید»، علیهذا تبصره (۱۱) آئین‌نامه که مقرر می‌دارد: «صاحبان واحدهای مشمول قانون و این آئین‌نامه موظفند حقوق و مزایای ناظر شرعی را بر اساس قانون کار و دستورالعمل ابلاغی از سوی نماینده ولی فقیه پرداخت نمایند»، از حیث عدم تأمین اعتبارات

←

مشمول قانون و آیین‌نامه را موظف به پرداخت حقوق و مزایای ناظرین شرعی کرده بود و مبنای حقوق و مزایای آنها را براساس قانون کار و دستورالعمل ابلاغی از سوی نماینده ولی فقیه دانسته بود.^(۱) ابطال این تبصره توسط رییس مجلس گواه آن است که اراده مقنن، پرداخت حقوق و مزایای ناظرین شرعی از محل اعتبارات دولتی است و نه امری که به کارفرما تحمیل شود.

بنابراین آنچه از قانون و آیین‌نامه برداشت می‌شود این است که اعتبار مربوط به حقوق و مزایای ناظرین شرعی بایستی در بودجه سنواتی پیش‌بینی شده و از طریق واحدهایی که ناظرین در آنها مشغول به کار هستند براساس دستورالعمل نماینده ولی فقیه و طبق مقررات قانون کار به آنها پرداخت شود.

اما ماده (۱۱) دستورالعمل موضوع شکایت حق‌السعی و مزایا، بیمه و سایر موارد بکارگیری ناظرین را طبق قانون کار و براساس قرارداد فی‌مابین ناظر و کارفرما دانسته است و در ماده (۱۳) پرداخت عیدی، اضافه‌کار، مانده مرخصی، پاداش پایان خدمت، هزینه ایاب و ذهاب و سایر مزایای نقدی و غیرنقدی را برعهده کارفرما قرار داده است.

اما براساس مقررات قانون کار این دو ماده فاقد وجاهت قانونی هستند. با این توضیح که مبحث اول از فصل سوم قانون کار تحت عنوان «حق‌السعی» به بیان شرایط و ضوابط این موضوع می‌پردازد. ذیل این مبحث در ماده (۳۴) قانون

→

موردنیاز از طریق بودجه سنواتی و تکلیف‌نمودن صاحبان واحدهای مشمول قانون به پرداخت حقوق و مزایا، مغایر مواد مذکور است». رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

۱- تبصره سابق ماده (۱۱) آیین‌نامه: صاحبان واحدهای مشمول قانون و این آئین‌نامه موظفند حقوق و مزایای ناظر شرعی را بر اساس قانون کار و دستورالعمل ابلاغی از سوی نماینده ولی فقیه پرداخت نماید.

کار حق السعی تعریف شده و کلیه دریافت‌های قانونی که کارگر براساس قانون کار دریافت می‌نماید حق السعی نام دارد.^(۱) لذا بر اساس این تعریف، منظور از حقوق و مزایای مذکور در تبصره ماده (۱۱) آیین‌نامه همان حق السعی مذکور در ماده (۳۴) قانون کار است. به عبارت دیگر حق السعی موضوع ماده (۳۴) قانون کار به تصریح خود قانون اعم است از حقوق و مزایا که در قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید و آیین‌نامه آن بایستی اعتبارات آن در بودجه سنواتی پیش‌بینی شده و از آن محل پرداخت گردد. ماده (۳۵) قانون کار نیز مؤید دیگری بر این استدلال است که مزد را تعریف می‌کند.^(۲) پس مزد معادل حقوق بوده و حق السعی عبارت است از مجموع مزد(حقوق) و مزایا.

مغایرت قانونی مواد (۱۲) و (۱۳) دستورالعمل نیز با توضیح فوق روشن است. چراکه مطابق این مواد صرفاً مزد ثابت ناظرین از محل اعتبار مربوط در قوانین بودجه سنواتی می‌باشد (ماده ۱۲) و پرداخت عیدی، اضافه‌کار، مانده مرخصی، پاداش پایان خدمت، هزینه ایاب و ذهاب و سایر مزایای نقدی و غیرنقدی ناظرین شرعی را به عهده کارفرما دانسته است (ماده ۱۳).

اما تبصره ماده (۱۱) آیین‌نامه که بعد از ایراد رییس مجلس مبنی بر مغایرت قانونی اصلاح شده مقرر می‌دارد مطلق حقوق و مزایای ناظرین بایستی از اعتبار مندرج در بودجه‌های سنواتی تأمین شود و همچنین براساس ماده (۳۶)

۱- ماده ۳۴ قانون کار - کلیه دریافت‌های قانونی که کارگر به اعتبار قرارداد کار اعم از مزد یا حقوق، کمک عائله مندی، هزینه‌های مسکن، خواربار، ایاب و ذهاب، مزایای غیرنقدی، پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آنها دریافت می‌نماید را حق السعی می‌نامند.

۲- ماده ۳۵ قانون کار - مزد عبارت است از وجوه نقدی یا غیرنقدی و یا مجموع آنها که در مقابل انجام کار به کارگر پرداخت می‌شود.

قانون کار، مزد ثابت اعم است از مجموع مزد شغل و مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل، لذا دستورالعمل مصوب کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی نمی‌تواند برخلاف قانون و آیین‌نامه، تنها بخشی از حقوق و مزایا را از بودجه سنواتی تأمین کند و مابقی آن را برعهده کارفرما قرار دهد.

بنابراین مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) دستورالعمل نحوه پرداخت حقوق ناظرین شرعی ذبح و صید مصوب ۹۱/۱۰/۵ کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی مغایر قانون است. و از این جهت که کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی بنابر آنچه گذشت به موجب قانون صلاحیتی ندارد تا کارفرما را مکلف کند بخشی از حقوق و مزایای ناظرین شرعی را پرداخت نماید، محل تأمل است.^(۱)

۱- به عنوان نمونه شورای نگهبان در نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۲۶۲۰ مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۹ (مذکور در دادنامه شماره ۶۲۱ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری) چنین نظر داده است: «موضوع مصوبه شماره ۱۳۹۰/۲/۳۱۰۶/ش - ۱۳۸۳/۷/۱۸ شورای اسلامی شهر مشهد، در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۵ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و خلاف موازین شرع شناخته نشد و چنانچه مجوز قانونی وجود نداشته باشد، خلاف موازین شرع می‌باشد.» در مورد مشابه دیگر، شورای نگهبان در نامه شماره ۹۱/۳۰/۴۷۰۴۷ مورخ ۱۳۹۱/۴/۳ چنین اظهارنظر کرده است: «در صورتی که کمیسیون ماده ۵ مطابق قانون اختیار جعل واگذاری بلاعوض مقداری از ملک اشخاص به شهرداری را داشته باشد، مصوبه مذکور خلاف موازین شرع نمی‌باشد. از جهت مغایرت مصوبه با قانون، مرجع تشخیص آن دیوان است» علاوه بر این مثال‌ها، شورای نگهبان در نامه شماره ۷۶/۲۱/۱۰۲۱ مورخ ۱۳۷۶/۴/۲۴ در پاسخ به استعلام رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رابطه با معنای عبارت «... در صورتی که مورد شکایت خلاف قانون باشد، خلاف شرع نیز خواهد بود.» که در برخی از نظرات فقهای شورای نگهبان در خصوص پرونده‌های دیوان دیده می‌شود، صراحتاً اعلام داشته است که «نظر شورا در همه جا این بوده که اگر خلاف قانون باشد بالتبع خلاف شرع هم هست و چنین مفهوم کلی ندارد که هر جا خلاف قانون نباشد خلاف شرع هم نیست، بلکه موارد مختلف است ممکن است خلاف شرع باشد ممکن است نباشد، البته در پاسخ‌های آینده اظهارنظر صریح خواهد شد.»

ب) ادعای مغایرت شرعی ضبط کلی لاشه و ضایعات دام و طیور بدون جبران خسارت دامداران و مرغداران

بخش دوم گزارش حاضر که به بررسی ضبط لاشه و ضایعات دام خواهد پرداخت در دادخواست اولیه شاکی نیامده است. خواسته اولیه شاکی که در نامه دیوان عدالت اداری هم بدان اشاره شده است همان موضوع بخش «الف» این گزارش یعنی درخواست ابطال بند «۴» ماده (۴) و مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) دستورالعمل نحوه پرداخت حقوق ناظرین شرعی ذبح و صید مصوب ۹۱/۱۰/۵ کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی است که بررسی شد. اما شاکی در شرح خواسته که خود مقاله‌ای مبسوط است به بررسی موضوع عوارض کشتار دام و طیور و سیر تحول تاریخی آن قبل و بعد از انقلاب و بعد از تشکیل جهاد سازندگی پرداخته است که از موضوع این گزارش خارج است. شاکی در لایحه تکمیلی خود در پاسخ به نامه دیوان عدالت اداری مبنی بر اصلاح دادخواست اولیه «ضبط کلی لاشه و ضایعات دام و طیور بدون جبران خسارت دامداران و مرغداران» درحالی‌که در مصارف غیرخوراکی غیرانسانی قابل استفاده باشد را مغایر قاعده «لا ضرر» دانسته است و با توجه به این مغایرت و مغایرت آن با اصول ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی درخواست اعلام مغایرت شرعی و قانونی آن را مطرح کرده است.

اما لازم به ذکر است شاکی در این خصوص هیچ مقرره یا مصوبه یا دستورالعمل خاصی را به عنوان موضوع شکایت خود مطرح نکرده است. به عبارت دیگر مشخص نیست به استناد مغایرت با قاعده «لا ضرر»، کدام مقرره یا مصوبه خلاف شرع یا قانون اساسی است.

علی‌رغم نکته فوق به طور اختصار به بررسی این موضوع می‌پردازیم تا روشن

شود آیا چنین حکمی به موجب قانون و یا مقرره‌ای وضع شده است یا خیر. در صورت اول آیا قانون مزبور مصوب قبل از انقلاب بوده و یا بعد از انقلاب به تصویب رسیده و از مسیر نظارت شرعی شورای نگهبان عبور کرده است؟

با جست‌وجو در قوانین و مقررات مربوطه می‌توان خاستگاه ضبط لاشه دام و طیور بیمار را ابتدا در قانون سازمان دامپزشکی مصوب ۱۳۵۰ پیدا کرد. ماده (۵) این قانون بخشی از وظایف و تکالیف سازمان دامپزشکی کشور را در مورد مبارزه با بیماری‌های دامی و جلوگیری از گسترش و سرایت آنها بیان می‌کند که در بند «ج» این ماده آمده است: «دام بیمار یا مظنون به ابتلاء بیماری یا ناقل عامل بیماری را معدوم کند و اگر قابل مصرف تشخیص شد برای ذبح به کشتارگاه اعزام دارد و طبق ضوابطی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد غرامت پردازد. در صورتی که تمام یا هر قسمت از دام ذبح شده قابل مصرف تشخیص داده شود بهای آن از میزان غرامت مزبور کسر خواهد شد.» همانطور که مشاهده می‌شود سازمان دامپزشکی مکلف است دام بیمار را معدوم کرده و طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون غرامت مربوطه را پردازد. اما درخصوص حکم این ماده آیین‌نامه‌ای به تصویب نرسیده است.

در سال ۱۳۵۸ ماده (۱۵) مکرر قانون جنگل‌ها و مراتع کشور توسط شورای انقلاب اصلاح گردید و به موجب آن شهرداری‌ها مکلف شدند تا مبالغی را به عنوان عوارض در کشتارگاه‌های کشور اخذ کرده و در صورت درخواست وزارت منابع طبیعی به حساب آن وزارت‌خانه منظور کنند. براساس آنچه در مقاله موجود در دادخواست شاکی آمده است عده‌ای این عوارض را به‌منظور عمل به مقرره فوق (پرداخت غرامت) قلمداد کرده‌اند و در مقابل عده‌ای معتقدند این، عوارضی است که به‌منظور حفظ حیات وحش ابتدا توسط وزارت منابع طبیعی و پس از این

اصلاحیه توسط شهرداری‌ها اتخاذ می‌شده که اکنون عملاً متروک شده است.

مقرره قانونی دیگری که در این خصوص قابل ذکر است حکمی است که در قوانین بودجه سنواتی در بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ قابل مشاهده است. بند «ج» تبصره «۱۸» قانون بودجه سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ کل کشور، بند «پ» تبصره «۳» قانون بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور، بند «ب» تبصره «۳» قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور و بند «الف» تبصره «۳» قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور مقرر می‌داشتند که به منظور «جبران بخشی از زیان وارد شده به صاحبان لاشه‌های مریض، ضبط و معدوم شده در کشتارگاه‌ها» سازمان دامپزشکی می‌تواند از طریق صاحبان کشتارگاه‌ها مبالغی را به نواتی سال‌های مذکور در این خصوص ساکت نبوده و به لزوم جبران خسارت ازای کشتار دام و طیور دریافت کند که این مبالغ پس از اخذ و واریز به حساب خزانه در اختیار سازمان مزبور قرار گیرد تا به صاحبان لاشه‌های فوق‌الذکر پرداخت شود.^(۱)

بنابراین قوانین بودجه‌های س صاحبان لاشه‌های مریض، ضبط و معدوم شده تصریح داشتند. اما پس از سال ۱۳۸۶ دیگر اثری از مقرره فوق در قوانین بودجه سنواتی به چشم نمی‌خورد.

۱- بند «ج» تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور: به منظور جبران بخشی از زیان وارد شده به صاحبان لاشه‌های مریض، ضبط و معدوم شده در کشتارگاه‌ها، به سازمان دامپزشکی کشور اجازه داده می‌شود به ازای کشتار هر رأس دام سنگین مبلغ پنج هزار (۵/۰۰۰) ریال، دام سبک مبلغ یک هزار (۱/۰۰۰) ریال و هر قطعه طیور کشتار شده مبلغ یکصد (۱۰۰) ریال از طریق صاحبان کشتارگاه‌ها دریافت نماید.

صاحبان کشتارگاه‌ها موظفند درآمد مذکور را به ردیف درآمدی ۷۱۰۱۳۲ به حساب درآمد عمومی کشور (نزد خزانه داری کل) واریز نمایند.

صد درصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی تا مبلغ شصت میلیارد (۶۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از محل اعتبار ردیف ۵۰۳۶۵۳ منظور در قسمت چهارم این قانون در اختیار سازمان دامپزشکی کشور قرار می‌گیرد تا جهت مفاد این بند در قالب مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به مصرف برسد.

لذا هم‌اکنون در خصوص لزوم جبران زیان و خسارت صاحبان لاشه‌های مریض، ضبط و معدوم شده در کشتارگاه‌ها و یا عدم پرداخت آن حکم قانونی وجود ندارد و در صورتی که عدم جبران خسارت مزبور محل ایراد باشد، این امر ناظر به اقدام مراجع ذی‌ربط بوده و ارتباطی با مصوبه و مقرره خاصی ندارد.

نتیجه گیری

- با توجه به توضیحات فوق نتیجه به دست آمده در دو قسمت بیان می‌شود:
۱. در خصوص ادعای مغایرت مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) و بند «۴» ماده (۴) دستورالعمل نحوه پرداخت حقوق ناظرین شرعی ذبح و صید مصوب ۹۱/۱۰/۵ کمیسیون تحول اداری سازمان دامپزشکی، مشخص شد که حکم این مواد با مواد قانونی همچون مواد (۳۴) تا (۳۶) قانون کار و ماده (۵) قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید و نیز مواد (۱۱) و (۱۳) آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت شرعی مغایر است. از این رو و با توجه به عدم صلاحیت کمیسیون مزبور در خصوص وضع این مقررات و الزام صاحبان واحدهای مشمول قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید به پرداخت حتی بخشی از حقوق و مزایای ناظرین شرعی، مواد مذکور محل تأمل است.
 ۲. در خصوص ادعای شاکی مبنی بر مغایرت ضبط کلی لاشه و ضایعات دام و طیور بدون جبران خسارت دامداران و مرغداران با قاعده «لاضرر» با توجه به اینکه در این مورد شاکی هیچ مقرره یا مصوبه‌ای را به عنوان موضوع شکایت مطرح نکرده و مقرره‌ای نیز از این حیث وجود ندارد تا محل بررسی باشد و شاکی صرفاً به لزوم تقنین و وضع مقرره در این خصوص در نظام حقوقی توصیه کرده است، لذا محل بررسی درخواست شاکی از این جهت مشخص نیست.

امام خمینی (ره):

و از شورایی محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل مابقی آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظرافت اسلامی و ملی خود رایانها و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(سخن امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قزنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۸۸۳۳۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir